



بار مشکلی در حوزه یک قانونی وجود داشت و وقتش گذشته بود. عده‌ای از حضرات مخالفت می‌کردند و می‌گفتند فلان کس باید مسئولیت بپذیرد. ولی ما دیدیم به دلیل این مشکل جریان کالا دارد قطع می‌شود. مانده بودیم چه کنیم. آن روز شهید رئیسی مصاحبه داشتند. رفتیم به محل مصاحبه و به ایشان اطلاع دادند که فلانی با شما کار دارد. آمدند وسط حیاط و ما اجرا را با ایشان مطرح کردم. گفتند: «من خودم مسئولیتش را قبول می‌کنم.» گفتیم: «آقا! شما رئیس جمهور هستید! شما چرا امضا کنی؟» گفتند: «اگر کار مردم است، من مسئولیتش را قبول می‌کنم.»

همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند در فضای رسانه ای کشور، در حق شهید رئیسی در زمان حیاتشان اجفاف صورت گرفت و فعالیت‌های دولت و زحمات ایشان نادیده و یا معکوس بیان شد، واکنش ایشان در قبال این بی‌انصافی‌ها چه بود؟
در این چند سالی که در خدمت ایشان بودیم، غیبتی از ایشان نشنیدیم. گاه می‌شد که ما واقعاً به هم می‌ریختیم و گلایه فردی را پیش ایشان می‌کردیم، ولی ایشان فقط می‌گفت «آمان از سیاست». یعنی حتی حاضر نبود از آن فرد انتقاد کند.

چون موضوع فعالیت مربوط به سفره مردم بود، سختگیری‌های ایشان هم بیشتر شد و هر روز پیگیری می‌کردند. به عنوان مثال می‌گفتیم: «حاج آقا! مرغ و تخم مرغ را دیگر کنترل کردیم.» می‌گفت: «آن که وظیفه است. در باره گوشت چه کار کردی؟» اگر می‌دید قیمت کالایی از سفره مردم جابه‌جا و گران شده، از همه روش‌ها از عتاب و مؤاخذه گرفته تا خواهش و تمنا را به کار می‌گرفت تا مسئله حل شود. گاهی اوقات وزیر جهاد کشاورزی می‌گفت: «من امروز جرئت نمی‌کنم بروم دفتر رئیس جمهور. دست و دلم می‌لرزد.» دستوری که می‌دادند را هر روز پیگیری و مطالبه می‌کردند و واقعا دغدغه وجودی‌شان بود. اهل نمایش نبودند که جلوی دوربین برای مردم یک جور صحبت کنند و پشت درهای بسته جور دیگر برطرف کردن نیاز مردم دغدغه وجودی‌اش بود. به‌گونه‌ای که برای همه ما این یقین حاصل شده بود که ایشان از عمق وجودش مطالبه می‌کند و ما باید تلاش چند برابری کنیم تا بتوانیم کار مورد نظر را به سرانجام برسانیم.
در بند تفکیک مسئولیت که مثلاً فلان اقدام وظیفه من هست یا نه، نبود. اگر مشکلی را خودش می‌توانست حل کند، مسئولیتش را قبول می‌کرد. یک

در سفر آفریقا سه کشور را در طی دو روز رفتند و دیدار کردند. همان شب اول در مسجد اوگاندا همه ما از خستگی بی‌هوش شده بودیم، ولی ایشان ساعت ۱۱ شب با قوت داشت صحبت می‌کرد.

با توجه به اینکه یکی از رویدادهای مهم دوره ریاست جمهوری شهید آیت الله رئیسی، عملیات غرورآفرین وعده صادق بود، نظر شهید آیت الله رئیسی درباره این عملیات و عواقب آن برای دولت چه بود؟

برخلاف آنچه که عده‌ای تصور می‌کردند اقداماتی همچون عملیات وعده صادق باعث انزوای ما می‌شود، اتفاقاً در همان هفته‌ای که این عملیات انجام شد، ما دو رویداد بزرگ تاریخی داشتیم که اجلاس آفریقا و اکسپو بود. اکثر دوستان بعد از انجام عملیات وعده صادق توصیه می‌کردند اکسپو را تعطیل کنید، ولی آقای رئیسی با همان توکل و امید کم‌نظیری که داشت گفتند برگزار کنید و این رویداد تاریخی اتفاق افتاد و بیش از دو هزار تاجر در آن شرکت کردند و بهترین قراردادهای تجاری آن هم در زمانی که همه تصور می‌کردند ما در موقعیت جنگ قرار داریم، منعقد شد. همه اینها ریشه در ایمان و اتکال ایشان به پروردگار داشت. خود ایشان به‌تنهایی موتور محرکه‌ای بودند که دولت را به حرکت درمی‌آوردند.

من خودم مسئولیتش را قبول می‌کنم

یک بار مشکلی در حوزه یک قانونی وجود داشت و وقتش گذشته بود. عده‌ای از حضرات مخالفت می‌کردند و می‌گفتند فلان کس باید مسئولیت بپذیرد. ولی ما دیدیم به دلیل این مشکل جریان کالا دارد قطع می‌شود. مانده بودیم چه کنیم. آن روز شهید رئیسی مصاحبه داشتند. رفتیم به محل مصاحبه و به ایشان اطلاع دادند که فلانی با شما کار دارد. آمدند وسط حیاط و ما اجرا را با ایشان مطرح کردم. گفتند: «من خودم مسئولیتش را قبول می‌کنم.» گفتیم: «آقا! شما رئیس جمهور هستید! شما چرا امضا کنی؟» گفتند: «اگر کار مردم است، من مسئولیتش را قبول می‌کنم.»



به نظر شما مردم در سیره شهید آیت الله رئیسی چه جایگاهی داشتند؟

برای شهید رئیسی مهم این بود که اقدامات دولت چه اثری در زندگی مردم دارد. به عنوان مثال زمانی که بنده در بخش توسعه تجارت بودم، به ایشان گزارش می‌دادیم که فرضاً در فلان سفر فلان موافقتنامه امضا شد. دستاوردها هم دستاوردهای مهمی بود که چندین سال بود که متوقف شده و حالا به نتیجه رسیده بود، ولی ایشان فقط می‌گفتند در زندگی مردم چه اثری دارد؟ گاهی ما در جواب می‌خواستیم توجیه کنیم که مثلاً این موافقتنامه باعث توسعه صادرات و رونق تولید است. می‌گفتند همه اینها را می‌دانم و در آمارها دیدم، ولی مردم چطور بهره می‌برند؟ چه اقدامی باید بکنید که مردم هم اثرش را ببینند و طعمش را بچشند؟

این روند ادامه هم داشت؟
بله. بعد از اینکه وارد جهاد کشاورزی شدیم،